

اثر آزادی اقتصادی و اجزای آن بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: کشورهای با درجه آزادی مختلف)

آسانا بیرزاده

کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه بجنورد

aababrzade@gmail.com

روح اله بابکی

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بجنورد (نویسنده مسئول)

roohollah.babaki@gmail.com

سید حامد فهیمی فرد

دکتری اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

s.h.fahimifard@gmail.com

چکیده

امروزه علاوه بر سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، سرمایه اجتماعی نیز مورد توجه واقع شده است که بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی را فراهم می‌آورد و عامل نیل به رشد اقتصادی می‌شود. از طریق این سرمایه انسجام، اعتماد متقابل و حسن اطمینان و همبستگی در جامعه فراهم می‌شود و هرگونه کاهش در آن، منجر به رشد آسیب‌های اجتماعی در جامعه می‌شود. از سوی دیگر، آزادی اقتصادی، کلیدی‌ترین عنصر در جامعه است که می‌تواند درها را به روی رفاه جهانی باز کند و می‌توان آن را حق ابتدایی هر شخص برای اداره اموال و نیروهای خود، همچنین نبود انحصار در تولید و مصرف و خدمات تعبیر کرد. از آنجاکه به لحاظ نظری، رابطه‌ی آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی مبهم است، لذا باید این رابطه در نمونه‌های مختلف به صورت تجربی مورد بررسی قرار گیرد. از این رو هدف این پژوهش، بررسی اثر آزادی اقتصادی و اجزای آن بر سرمایه اجتماعی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) است. در این پژوهش از داده‌های ۶۲ کشور عضو خانه آزادی در قالب سه دسته کشورهای آزاد، نسبتاً آزاد و غیرآزاد از نظر خانه آزادی، طی دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۳ استفاده گردیده است. نتایج حاکی از آن است که آزادی اقتصادی در کشورهای آزاد از نظر خانه آزادی باعث افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود؛ در نتیجه، اثری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد؛ اما اثر معناداری بر سرمایه اجتماعی در کشورهای نسبتاً آزاد و کشورهای غیرآزاد ندارد. همچنین ارتباط بین اجزای آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی، متفاوت است.

واژگان کلیدی: آزادی اقتصادی، سرمایه اجتماعی، خانه آزادی، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته

۱- مقدمه

سرمایه اجتماعی مفهومی در جامعه‌شناسی است که برای اشاره به ارتباطات درون و مابین گروهی از آن استفاده می‌شود. پاتنام^۱ (۱۹۹۳) سرمایه اجتماعی را به‌عنوان «ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی تعریف می‌کند که هماهنگی و همکاری را برای منافع متقابل تسهیل می‌کند». پاتنام بعداً در کتاب خود با عنوان «بولینگ تنهایی: فروپاشی و احیای جامعه آمریکایی» که در سال ۲۰۰۰ منتشر کرد، سرمایه اجتماعی را چنین توصیف می‌کند: «...ارتباطات بین افراد- شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و قابل اعتماد بودن ناشی از آن‌ها». از این‌رو، سرمایه اجتماعی را می‌توان تعاملات اجتماعی میان افراد توصیف کرد و اعتماد و هنجارهای متقابل از طریق تعاملات ایجاد می‌شود که بعداً منافع متقابل (اعم از سود اقتصادی یا غیراقتصادی) را برای افراد ایجاد می‌کند (پاتنام، ۲۰۰۰).

البته سرمایه اجتماعی، یک موضوع تحقیقاتی در حال گسترش است (گانون و رابرتس^۲، ۲۰۲۰). سرمایه اجتماعی به عنوان یک عامل مهم در توسعه اقتصادی، توجه روزافزون اقتصاددانان توسعه را به خود جلب کرده است؛ به نحوی که امروزه یکی از عوامل اساسی توسعه هر جامعه‌ای، سرمایه اجتماعی آن جامعه است (علی و همکاران^۳، ۲۰۱۷)؛ سرمایه‌ای که زیربنای توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یک کشور است. اهمیت این سرمایه، به میزانی است که از آن به‌عنوان ثروت نامرئی یک کشور یاد می‌کنند و از طریق آن انسجام، اعتماد متقابل و حسن اطمینان و همبستگی در جامعه فراهم می‌شود و هرگونه کاهش در آن، منجر به کاهش مشارکت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان می‌شود و همچنین رشد آسیب‌ها و جرائم اجتماعی، بی‌اعتمادی، یأس و ناامیدی و احساس محرومیت نسبی و بسیاری از ناهنجاری‌ها نتیجه‌ی تقلیل سرمایه اجتماعی است؛ بنابراین بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. این مسئله ضرورت و اهمیت چنین پژوهشی را روشن می‌کند (حسنی، ۱۳۹۴).

یکی از عوامل اثرگذار بر سرمایه اجتماعی، آزادی اقتصادی است. آزادی اقتصادی یکی از اصول مهم در ارزیابی توسعه‌یافتگی اقتصاد کشورهاست و ازجمله عوامل مؤثر بر رفاه است. گوارتنی و همکاران^۴ (۱۹۹۶) در کتاب آزادی اقتصادی جهان، بیان کردند که ترکیبات اصلی آزادی اقتصادی، انتخاب شخصی، حمایت از مالکیت خصوصی و آزادی مبادله است. درواقع آن‌ها آزادی اقتصادی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «افراد آزادی اقتصادی دارند، هنگامی که الف) اموالی که بدون استفاده از زور، کلاهبرداری یا سرقت به دست می‌آورند در مقابل حملات فیزیکی دیگران محافظت شود. ب) آن‌ها در استفاده، مبادله یا بخشش اموالشان آزاد هستند؛ به شرطی که اقدامات آن‌ها ناقض حقوق یکسان دیگران نباشد (گوارتنی و همکاران، ۱۹۹۶). به اعتقاد نورث^۵ (۱۹۹۱)، رابطه بین آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی بسته به تعاریف و اندازه‌گیری‌های سرمایه اجتماعی مبهم (مثبت، منفی و یا عدم وجود رابطه) است. در همین راستا، جکسون و همکاران^۶ (۲۰۱۵)، بیان می‌کنند که رابطه بین آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی، مبهم است. لذا باید این رابطه در نمونه‌های مختلف به‌صورت تجربی مورد بررسی قرار گیرد.

1. Putnam

2. Gannon & Roberts

3. Ali et al.

4. Gwartney et al.

5. North

6. Jackson et al.

از این رو این پژوهش، به دنبال بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر سرمایه اجتماعی در نمونه بزرگی از کشورهای جهان (۶۲ کشور) طی دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۳ است. در این مطالعه، از دسته‌بندی کشورهای جهان که بر اساس شاخص‌های خانه آزادی به کشورهای مختلف تقسیم‌بندی شده‌اند، استفاده خواهد شد. خانه آزادی، کشورهای جهان را بر اساس آزادی سیاسی به کشورهای آزاد، نسبتاً آزاد و غیرآزاد تقسیم‌بندی کرده است.

بر این اساس، فرضیه‌های اصلی این پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

- (۱) آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی کشورهای آزاد از نظر خانه آزادی دارد.
- (۲) آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی کشورهای نسبتاً آزاد از نظر خانه آزادی دارد.
- (۳) آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی کشورهای غیرآزاد از نظر خانه آزادی دارد.
- (۴) اجزای آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی در کشورهای جهان بر اساس دسته‌بندی خانه آزادی (به کشورهای آزاد، نسبتاً آزاد و غیر آزاد) دارند.

مطالب این پژوهش در پنج بخش، ارائه می‌شود؛ به این صورت که بخش اول، مقدمه و بخش دوم، ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق است. در بخش دوم، به توضیح آزادی اقتصادی، سرمایه اجتماعی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر از نظر تئوری و تجربی پرداخته می‌شود؛ بخش سوم مربوط به روش تحقیق و تصریح مدل و بخش چهارم مربوط به تخمین آن و ارائه یافته‌های حاصل از برآورد آن است و در نهایت در بخش پنجم، نتیجه‌گیری و پیشنهادات تحقیق ارائه می‌شود.

۲- ادبیات موضوع

۲-۱- آزادی اقتصادی

به منظور اندازه‌گیری آزادی اقتصادی چندین شاخص ابداع شده است که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها، شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر می‌باشد. از نظر مؤسسه فریزر، افراد زمانی از آزادی اقتصادی برخوردارند که اموالی را که بدون استفاده از زور، کلاهبرداری یا سرقت به دست می‌آورند، در برابر تهاجم فیزیکی دیگران محافظت شود و تا زمانی که اعمالشان، حقوق دیگران را نقض نکند، در استفاده، مبادله یا دادن دارایی خود به دیگران آزادند.

این مؤسسه بر اساس شاخص آزادی اقتصادی، اقدام به رتبه‌بندی کشورها می‌نماید؛ به این صورت که با محاسبه میانگین وزنی به‌دست‌آمده از ۳۸ متغیر مختلف، شاخص آزادی اقتصادی برای هر کشور را محاسبه می‌کند و هرچه شاخص به ۱۰ نزدیک‌تر باشد، نشان از وجود آزادی اقتصادی بیشتر در آن کشور است. شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر، شاخصی است موزون متشکل از ۵ شاخص اندازه دولت^۲، ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت^۳، دسترسی به پول سالم^۴، آزادی در مبادله با خارجی^۵، مقررات سرمایه و بازار کسب‌وکار^۶ (مؤسسه فریزر، ۲۰۲۴).

۲-۲- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به اعتماد متقابل، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های حمایتی در یک جامعه اشاره دارد. این مفهوم رابطه قوی با انواع مختلفی از مسائل اجتماعی دارد. با توجه به نظر رونالد برت^۷ (۲۰۰۸)، سرمایه اجتماعی، نوعی سرمایه

۱. Fraser Institute

۲. Size of Government

۳. Legal Systems & Property Rights

۴. Sound Money

۵. Freedom to Trade Internationally

۶. Regulation

۷. Ronald Burt

است که می‌تواند برای افراد یا گروه‌های خاصی مزیت رقابتی در تعقیب اهدافشان ایجاد کند. یک جهش کوانتومی از اعتماد شخصی به یک اعتماد عمومی ممکن است برای توسعه اقتصادی، حیاتی باشد (تسوتسومی، ۲۰۱۷).^۱

سرمایه اجتماعی، توانایی درمان اکثر مشکلات اجتماعی را دارد؛ چراکه به مردم کمک می‌کند تا مشکلات همکاری جمعی را راحت‌تر حل کنند، جریان اطلاعات مفید را تقویت می‌کند و به مردم کمک می‌کند تا با آسیب‌های روحی مقابله کنند و سلامت خود را بهبود بخشند، شغل پیدا کنند و کسب‌وکار خود را حفظ کنند. برخی از صاحب‌نظران ادعا کرده‌اند که تشویق سرمایه اجتماعی می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی از جمله بهداشت عمومی ضعیف، جنایت، بزه‌کاری، فقر، عدم مسئولیت مدنی و توسعه‌نیافتگی را حل کند یا کاهش دهد (اسمارت، ۲۰۱۸).^۲

۲-۳- رابطه آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی

رابطه‌ی بین آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی بسته به تعاریف و اندازه‌گیری‌های سرمایه اجتماعی مبهم است. آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی می‌تواند به افراد در کاهش هزینه معاملات کمک کند. آزادی اقتصادی می‌تواند جایگزین سرمایه اجتماعی از نظر عضویت و اعتماد اجتماعی به فعالیت‌های بازار شود. با وجود آزادی اقتصادی، افراد در فعالیت‌های بازار از حمایت‌های قانونی برخوردار می‌شوند که قراردادهای و مذاکرات مربوط به فعالیت‌های بازار را اجرایی می‌کند و هزینه‌ی معاملات را کاهش می‌دهد. در این حالت، ممکن است افراد را مجبور به سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی نکنند، زیرا روابط نزدیک یا اعتماد بین افراد برای سهولت معاملات با حمایت قانونی در فعالیت‌های بازار جایگزین می‌شود. به این ترتیب، آزادی اقتصادی می‌تواند سرمایه اجتماعی را کاهش دهد. از سوی دیگر، ممکن است هیچ پیوندی بین آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی وجود نداشته باشد؛ زیرا ممکن است روابط تاریخی یا فرهنگی بین افراد تحت تأثیر آزادی اقتصادی قرار نگیرد. همچنین می‌توان تصور کرد که آزادی اقتصادی می‌تواند تأثیر مثبتی بر سرمایه اجتماعی داشته باشد؛ زیرا در صورت وجود آزادی اقتصادی، افراد آزادند که در مبادله داوطلبانه مشارکت داشته باشند و تصمیمات افراد مانند این که با چه کسی معامله کنند کاملاً به عهده خودشان است؛ بنابراین، آزادی اقتصادی به افراد اجازه می‌دهد تا با تصمیمات خود در فعالیت‌های اقتصادی شرکت کنند و این امر، افراد را به تعامل با سایر عوامل در بازار سوق می‌دهد. پس منطقی است که آزادی اقتصادی بیشتر منجر به تعامل بیشتر بین افراد شود و سرمایه اجتماعی را افزایش دهد (نورث، ۱۹۹۱).

جکسون و همکاران (۲۰۱۵)، نیز معتقدند رابطه‌ی بین آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی از لحاظ نظری، مبهم است. از نظر آن‌ها وجود آزادی اقتصادی به افراد امکان می‌دهد آزادی خود را در امور سیاسی نیز تمرین کنند؛ بنابراین، آزادی اقتصادی ممکن است میزان مشارکت رأی‌دهندگان را افزایش دهد؛ بنابراین، آزادی اقتصادی ممکن است بر مشارکت سیاسی افراد در کشورهای دموکراتیک تأثیر نگذارد؛ اما تأثیر آزادی اقتصادی ممکن است بر مشارکت سیاسی افراد در کشورهای کمتر دموکراتیک مثبت و تأثیرگذار باشد. پس می‌توان گفت تأثیر آزادی اقتصادی بر سرمایه اجتماعی از نظر میزان مشارکت رأی‌دهندگان ممکن است به ماهیت سیاسی یک کشور بستگی داشته باشد (جکسون و همکاران، ۲۰۱۵).

برای تشریح چگونگی اثرگذاری آزادی اقتصادی بر سرمایه اجتماعی، می‌توان به نحوه‌ی اثرگذاری زیر شاخص‌های آزادی اقتصادی بر سرمایه اجتماعی اشاره کرد. تحقیقات نشان داده است که آزادی اقتصادی بر اعتماد تأثیر می‌گذارد و

۱. Tsutsumi

۲. Smart

اعتماد به عنوان افزایش رضایت از زندگی شناخته شده است (هلیول و بارینگتون-لی^۱؛ ۲۰۱۰؛ برگرن و جوردال^۲؛ ۲۰۰۶؛ اویشی و همکاران^۳؛ ۲۰۱۱). از این رو می توان برای توضیح اثر آزادی اقتصادی بر اعتماد به عنوان مؤلفه‌ی اصلی سرمایه اجتماعی به اثر آزادی اقتصادی بر رضایت از زندگی اشاره کرد. مطالعات مختلف از جمله هلیول (۲۰۰۳) و (۲۰۰۶)، بجورنسکف و همکاران^۴ (۲۰۰۷) و (۲۰۱۰)، اویشی و همکاران (۲۰۱۱)، بر این مسأله تأکید دارند که اعتماد در توضیح رضایت از زندگی مهم است. از این رو در ادامه، به پیوندهای علی بین پنج زیر شاخص (عنصر) مختلف آزادی اقتصادی با اعتماد و رضایت از زندگی اشاره خواهد شد.

۲-۳-۱- اثرگذاری اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی

عنصر اول آزادی اقتصادی، اندازه‌ی دولت است. یک دولت بزرگ ممکن است رضایت مردم را در نتیجه عدم رسیدگی کافی کاهش دهد؛ زیرا زمانی که یک دولت نسبتاً بیشتر از افراد، خانوارها و مشاغل هزینه می کند، این امر آزادی اقتصادی را کاهش می دهد، چراکه تصمیم گیری دولت به طور مؤثر جایگزین انتخاب شخصی افراد می شود. بجورنسکف و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند که سهم افراد بسیار راضی با مصرف بیشتر دولت، کاهش می یابد؛ درحالی که تشکیل سرمایه دولت و مخارج اجتماعی تأثیر قابل توجهی ندارند. با این حال، اوت^۵ (۲۰۱۰) معتقد است آنچه بر رضایت از زندگی تأثیر می گذارد، اندازه‌ی دولت نیست، بلکه کیفیت حکمرانی است.

از سوی دیگر می توان انتظار داشت که هزینه های بالاتر دولت در زمینه های آموزش، مراقبت های بهداشتی، پلیس، دفاع، زیر ساخت ها و غیره، اعتماد بیشتر افراد جامعه را به همراه داشته باشد. علاوه بر این، اندازه‌ی کوچک دولت، فضای کمی برای سیاست های باز توزیع فراهم می کند و نابرابری درآمد را افزایش می دهد (برگرن، ۱۹۹۹). تحقیقات مختلف (از جمله کناک و کیفر^۶؛ ۱۹۹۷؛ زاک^۸ و کناک، ۲۰۰۱؛ و اویشی و همکاران، ۲۰۱۱) نشان داده اند که ارتباط منفی بین نابرابری درآمد و اعتماد وجود دارد (گرافلند و کومپن^۹؛ ۲۰۱۵).

۲-۳-۲- اثرگذاری حاکمیت قانون بر سرمایه اجتماعی

یکی از عناصر مهم کیفیت حکمرانی، حاکمیت قانون است. این عنصر با عنصر دوم آزادی اقتصادی یعنی کیفیت نظام حقوقی، منطبق است. یک سیستم حقوقی خوب، کارآفرینی را تحریک می کند؛ زیرا حفاظت از حقوق مالکیت، تضمین می کند که کارآفرینان می توانند ثمره‌ی کار خود را به دست آورند (نیستروم^{۱۰}؛ ۲۰۰۸) و این امر، باعث افزایش رضایت از زندگی می شود. به طور کلی، می توان انتظار داشت که اثربخشی قوه قضائیه و قابل اجرا بودن قراردادهای به طور مستقیم بر رضایت از زندگی تأثیر بگذارد؛ زیرا قوانین عادلانه و قابل پیش بینی، مبنای تعاملات اقتصادی و اجتماعی است. از سوی دیگر، یک سیستم حقوقی به خوبی توسعه یافته که از حقوق مالکیت محافظت می کند و قراردادهای را در یک اقتصاد آزاد اجرا می کند، جو اعتماد را تقویت می کند. نهادهای مرتبط بانظم و قانون، افراد مجرم را مجازات می کنند.

1. Helliwell and Barington-Leigh

2. Berggren and Jordahl

3. Oishi et al.

4. Bjørnskov et al.

5. Ott

6. quality of governance

7. Knack and Keefer

8. Zak

9. Graafland and Compen

10. Nystrom

اگر این نهادها به خوبی کار کنند، اکثر افراد جامعه اعتماد می کنند (روستین^۱، ۲۰۰۰). تحقیقات مختلف (از جمله کناک و کیفر، ۱۹۹۷؛ زاک و کناک، ۲۰۰۱؛ و برگرن و جوردال، ۲۰۰۶) تأیید می کنند که کیفیت ساختار قانونی و حمایت از حقوق مالکیت به طور مثبت بر اعتماد تأثیر می گذارد.

۲-۳-۳- اثرگذاری پول سالم بر سرمایه اجتماعی

سومین عنصر شاخص آزادی اقتصادی، یعنی دسترسی به پول سالم، برای انجام تجارت، ضروری است؛ زیرا پول ثابت از تورم جلوگیری می کند. تورم، ارزش اموال موجود در ابزارهای پولی را از بین می برد. زمانی که دولت ها مخارج خود را با خلق پول تأمین می کنند، درواقع دارایی ها را مصادره می کنند و آزادی اقتصادی شهروندان خود را نقض می کنند. دی تلا و همکاران^۲ (۲۰۰۱) دریافتند که تورم، تأثیر منفی قابل توجهی بر رفاه ذهنی افراد دارد. تورم، به ویژه زمانی که پیش بینی نشده باشد، باعث ایجاد نااطمینانی در مورد آینده می شود و بنابراین ممکن است رضایت از زندگی را کاهش دهد. علاوه بر این، بجورنسکف و فوس^۳ (۲۰۰۸) نشان می دهند که سطوح بالاتر «پول سالم» نیز به طور قابل توجهی فعالیت کارآفرینی را ترویج می کند. دسترسی به پول سالم اعتماد را تقویت می کند. زمانی که شخص به طور مکرر در بازار معامله می کند، در واقع اعتماد می کند؛ و این امر در جامعه، نگرش اعتماد عمومی ایجاد می نماید (برگرن و جوردال، ۲۰۰۶).

۲-۳-۴- اثرگذاری تجارت آزاد بین المللی بر سرمایه اجتماعی

عنصر چهارم آزادی اقتصادی، یعنی تجارت آزاد بین المللی، ممکن است به رضایت از زندگی کمک کند؛ زیرا اقتصادهای باز از دانش در سایر نقاط جهان بیشتر از اقتصادهای بسته بهره می برند (لوکاس^۴، ۲۰۰۰). از آنجایی که تجارت خارجی منجر به تخصص در زمینه های دارای مزیت نسبی می شود، درنهایت رفاه را افزایش می دهد (بجورنسکف و همکاران، ۲۰۰۷). با این حال، شواهد تجربی، متفاوت و متناقض است. تجزیه و تحلیل آماری تأثیر علی رشد صادرات بر رشد کل اقتصادی، مبهم است و در هر کشور متفاوت است (سازمان ملل^۵، ۲۰۰۶). درحالی که اسکالی^۶ (۲۰۰۲) نتیجه گرفت که باز بودن تجارت به رشد اقتصادی کمک می کند، کالدرون و همکاران^۷ (۲۰۰۵) دریافتند که برای کشورهای فقیر، آزاد سازی تجارت به سختی به اقتصاد آن ها کمک می کند. علاوه بر این، اثر این موضوع بر رضایت از زندگی نیز متفاوت است. برای مثال، هلیول و هوانگ^۸ (۲۰۰۸) رابطه ی معنی داری بین باز بودن تجارت و رضایت از زندگی پیدا نکردند. با این حال، با توجه به تسای (۲۰۰۹)، مدت زمان باز بودن تجارت، تعیین کننده است. کشورهایی که برای مدت طولانی، تجارت باز داشتند، سطح رضایت بیشتری از زندگی را نسبت به کشورهای بسته دارند، درحالی که کشورهایی که از سیاست بسته به سیاست باز تغییر می کنند، وضعیت بهتری نسبت به کشورهای بسته نداشتند. با این حال، تسای^۹ (۲۰۰۹) همچنین نتیجه می گیرد که باز بودن تجارت، اگرچه تأثیر مثبتی بر رضایت از زندگی دارد، اما در درجه دوم اهمیت قرار دارد؛ زیرا رفاه ذهنی افراد را فقط اندکی افزایش می دهد. همچنین برگرن (۱۹۹۹) اشاره می کند که آزاد سازی تجاری

1. Rothstein

2. Di Tella et al.

3. Foss

4. Lucas

5. United Nations (UN)

6. Scully

7. Calderón et al.

8. Huang

9. Tsai

باعث بهبود وضعیت افراد فقیر می‌شود؛ زیرا آن‌ها در صناعی به کار گرفته می‌شوند که نسبتاً بیشتر از تجارت آزاد سود می‌برند. از سوی دیگر، گلدبرگ و پاوچنیک^۱ (۲۰۰۷) دریافتند که کشورهای درحال توسعه که بازارهای داخلی خود را باز کرده‌اند، افزایش قابل توجهی در نابرابری درآمدی تجربه کرده‌اند که ممکن است اعتماد را کاهش دهد.

۲-۳-۵- اثرگذاری مقررات دولتی بر سرمایه اجتماعی

نمی‌توان انتظار داشت که فقدان عنصر پنجم آزادی اقتصادی، یعنی عدم وجود مقررات دولتی، رضایت از زندگی را افزایش دهد؛ زیرا مقررات دولتی می‌تواند امنیت شهروندان را تأمین کند و نواقص بازار را محدود کند. به‌ویژه سیاست ضد انحصار ممکن است برای فراهم کردن شرایط کافی برای عملکرد کارآمد بازارهای آزاد مهم باشد. باین‌حال، صاحب‌نظران در کارایی مقررات دولتی تردید دارند، زیرا همان‌طور که فریدمن^۲ (۱۹۹۹) استدلال می‌کند، قوانین ضد انحصار توسط افرادی که قرار بود آن‌ها را تنظیم و کنترل کنند، تصاحب می‌شود. در مقابل، سطوح پایین تنظیم بازارهای اعتباری، کار و تولید، اگر هزینه‌های رفتار فرصت‌طلبانه را افزایش دهد، ممکن است اعتماد را کاهش دهد. تنظیم مقررات می‌تواند رفتار فرصت‌طلبانه را کاهش دهد و در نتیجه اعتماد را افزایش دهد. برگرن و جوردال (۲۰۰۶) دریافتند که تنظیم مقررات اعتبار، نیروی کار و کسب‌وکار به‌طور مثبت و معنی‌دار در برآوردهای روابط بین آزادی و اعتماد وارد می‌شود.

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پیشینه خارجی

برگرن و جوردال (۲۰۰۶) تأثیر آزادی اقتصادی را بر اعتماد به‌عنوان معیاری برای سرمایه اجتماعی در ۵۱ کشور با بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که آزادی اقتصادی به‌طور کلی باعث افزایش اعتماد می‌شود، اما از بین پنج مؤلفه آزادی اقتصادی، ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت، تأثیر قابل توجهی بر اعتماد دارند. مین ماو^۳ (۲۰۱۴) نیز رابطه بین آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی را در ایالت‌های همسایه ایالات متحده از دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۲۰۰۰ بررسی کرد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که سطح آزادی اقتصادی اندازه‌گیری شده در سطح ملی هیچ تأثیر قابل توجهی بر سرمایه اجتماعی ندارد. درحالی‌که بین تغییرات آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین طبق نتایج به‌دست‌آمده هیچ ارتباط معناداری بین آزادی اقتصادی و اعتماد اجتماعی وجود ندارد. جکسون و همکاران (۲۰۱۵) با استفاده از داده‌های سطح ایالت در ایالات متحده از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۴ و هر دو تخمین پانل پویا OLS و GMM سیستمی، متوجه شدند که هیچ مبادله واضحی بین آزادی اقتصادی و سطح یا رشد سرمایه اجتماعی وجود ندارد. جکسون (۲۰۱۶) با استفاده از روش میانگین گروهی تلفیقی^۴ (PMG) بررسی کرد که آیا آزادی اقتصادی بر سرمایه اجتماعی ایالات متحده طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۸۶ تأثیر دارد یا خیر. متغیر مستقل اصلی در مطالعه وی، آزادی اقتصادی بود که سه جزء تشکیل‌دهنده این شاخص عبارت بودند از: اندازه دولت، تصرفات و مالیات و بازار کار. نتایج حاکی از آن است که بین آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی رابطه منفی وجود دارد، اما این امر عمدتاً توسط مؤلفه بازار کار مشخص می‌شود. ساراویا^۵ (۲۰۱۶) همبستگی بین نهادهای آزادی اقتصادی و اعتماد تعمیم یافته را بررسی کرد. داده‌هایی که وی استفاده کرد از نظرسنجی‌های یوروبارومتر استخراج شد که میزان اعتماد اتباع یک کشور خاص را از نظر اتباع سایر کشورها

1. Goldberg & Pavcnik

2. Friedman

3. Min Maw

4. Pooled Mean Group (PMG)

5. Saravia

اندازه‌گیری می‌کنند. وی دریافت که طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، افزایش ۱۰ درصدی در شاخص آزادی اقتصادی جهان با افزایش ۲٫۵ درصدی در اعتماد عمومی در کشورهای نمونه در مطالعه وی همراه بود. آلفورد^۱ (۲۰۱۹) در پی یافتن رابطه یا همبستگی احتمالی بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی در ۱۸۰ کشور بود. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که برای اکثر کشورها، هرچه سطح آزادی اقتصادی بالاتر باشد، نمره سرمایه اجتماعی آن‌ها بالاتر است. البته در بعضی کشورها این رابطه وجود ندارد.

۳-۲- پیشینه داخلی

خداپرست مشهدی و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از الگوی خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی (ARDL) طی دوره زمانی ۱۳۶۴-۱۳۸۵، به بررسی تأثیر دو متغیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی به‌صورت جداگانه و همراه باهم، بر رشد اقتصادی کشور ایران پرداخته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که اثر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران مثبت و معنی‌دار است. سرانجام آزادی اقتصادی نسبت به سرمایه اجتماعی تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی ایران دارد. زبیری و ابراهیمی پورفائز (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر نرخ تورم بر سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ با استفاده از روش خود رگرسیون برداری^۲ (VAR) پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها حاکی از تأثیر منفی و معنی‌دار تورم بر سرمایه اجتماعی طی دوره موردبررسی است. همچنین، اثر منفی ناشی از شوک تورمی تا ۲۳ دوره بعد در سرمایه اجتماعی باقی می‌ماند و با توجه به این‌که بازسازی سرمایه اجتماعی پس از تخریب آن بسیار مشکل خواهد بود، ضرورت برنامه‌ریزی جهت کاهش نرخ تورم در اقتصاد ایران را بیش‌ازپیش نشان می‌دهد. محمدیان و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از داده‌های ترکیبی استان‌های ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۵، به بررسی تأثیر اندازه دولت (سهم مخارج مصرفی و عمرانی دولت از تولید ناخالص داخلی) بر سرمایه اجتماعی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۴ (GMM) پرداخته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که سهم مخارج مصرفی و عمرانی دولت از تولید ناخالص داخلی و مجموع این دو سهم، اثر منفی و معناداری بر سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران داشته است و طبق نتایج به‌دست‌آمده، یکی از راه‌های تقویت سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور، اصلاح فعالیت‌های دولت است. بابک چراغی و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از روش داده‌های تابلویی^۵ طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۸۳، به بررسی عوامل عدم تحقق رشد اقتصادی پایدار از منظر سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد، کاهش سرمایه اجتماعی، باعث کاهش کارایی اجتماعی در روابط عوامل تولید فراوان اقتصاد ایران و در نتیجه عدم تحقق رشد اقتصادی پایدار در طول زمان شده است. بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در بیشتر مطالعاتی که در حوزه سرمایه اجتماعی انجام شده است، عوامل مرتبط با نهادها و سیاست‌های اقتصادی را بررسی نکرده‌اند و این‌یک ضعف بزرگ در مطالعات قبلی است. از این‌رو بسیار مهم و ضروری است که نقش آزادی اقتصادی و اجزای آن شامل یکپارچگی دولت، بار مالیاتی، هزینه‌های دولت، سلامت مالی و آزادی تجاری به‌عنوان مؤلفه‌های مهم نهادی و سیاست‌های اقتصادی در سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. براین اساس، مطالعه حاضر به این مسئله‌ی مهم، خواهد پرداخت. در واقع، این مطالعه بر آن است تا اثر آزادی اقتصادی و اجزای آن‌ها بر سرمایه اجتماعی در سه دسته کشورهای آزاد، نیمه آزاد و غیر آزاد را مورد بررسی قرار دهد. این در حالی

۱. Alford

۲. Autoregressive Distributed Lag (ARDL)

۳. Vector Auto Regressive (VAR)

۴. Generalized Method of Moments (GMM)

۵. Panel Data

است که در بیشتر مطالعات انجام شده مثل مطالعه برگرن و جوردال (۲۰۰۶)، تأثیر آزادی اقتصادی بر سرمایه اجتماعی را در کشورهای توسعه یافته مورد بررسی قرار دادند؛ اما بخشی از داده های این پژوهش، شامل کشورهایمانند ایران، عراق، لیبی و غیره است که جزء کشورهای در حال توسعه هستند. لازم به ذکر است که مطالعات داخلی به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر سرمایه اجتماعی نپرداختند. این مسئله بیانگر تازگی و وجه تمایز این پژوهش نسبت به مطالعات قبلی است.

۴- روش تحقیق

رویکرد تجربی مورد استفاده در این مطالعه بر اساس داده های سالانه و تجزیه و تحلیل داده های تابلویی پویا است. در واقع، روش اقتصادسنجی مورد استفاده در این پژوهش، روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) است. علاوه بر این، اطلاعات آماری بکار گرفته شده از نوع داده های تابلویی که خود تلفیقی از داده های سری زمانی و مقطعی است، می باشد (هاشمی، ۱۳۹۶).

هنگامی که در مدل داده های تابلویی، متغیر وابسته به صورت وقفه در سمت راست مدل ظاهر می شود دیگر برآورد OLS سازگار نخواهد بود (بالتاجی، ۱۹۹۵). در این شرایط باید از مدل های دومرحله ای (2SLS) یا روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده کرد. ماتیاس و سوستر (۱۹۹۱) معتقدند که برآورد 2SLS ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها، منجر به محاسبه واریانس بزرگ برای ضرایب شده و در نهایت باعث شود که برآوردها از نظر آماری معنادار نباشد. برای رفع این مشکل، روش GMM توسط آرلانو و باند (۱۹۹۱) پیشنهاد شد. این روش، اثرات تعدیل پویای متغیر وابسته را در نظر می گیرد. اگر متغیر وابسته با مقادیر با وقفه وارد مدل شود، سبب خواهد شد که بین متغیرهای توضیحی (رگر سورها) و جملات اختلال همبستگی به وجود آید و در نتیجه، استفاده از روش حداقل مربعات معمولی، نتایج تورش دار و ناسازگاری نشان خواهد داد. روش گشتاور تعمیم یافته می تواند با به کارگیری متغیرهای ابزاری، این ایراد را برطرف کند (حاجی بیگی و همکاران، ۱۳۹۷).

مدل مورد استفاده در این تحقیق، از مقاله جکسون و همکاران (۲۰۱۵) گرفته شده است. در این پژوهش، دو مدل برآورد خواهد شد؛ در مدل (۱) اثر شاخص آزادی اقتصادی کل و در مدل (۲) اثر هر کدام از زیرشاخص های آزادی اقتصادی بر سرمایه اجتماعی بررسی خواهد شد. دو مدل عبارتند از:

$$SCa_{it} = \alpha + \beta_1 efr_{it} + \gamma_0 X_{it} + \eta_i + \delta_t + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$SCa_{it} = \alpha + \beta_1 F_{it} + \beta_2 lsp_{it} + \beta_3 smo_{it} + \beta_4 reg_{it} + \beta_5 sog_{it} + \gamma_0 X_{it} + \eta_i + \delta_t + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

در مدل (۱) SCa_{it} سرمایه اجتماعی و efr_{it} میانگین شاخص آزادی اقتصادی است و در مدل (۲) که شامل اجزای آزادی اقتصادی است F_{it} آزادی تجارت بین الملل و lsp_{it} حقوق مالکیت و smo_{it} پول سالم و reg_{it} مقررات و sog_{it} اندازه دولت می باشد. X_{it} نیز بیانگر متغیرهای کنترلی شامل تولید ناخالص داخلی، بیکاری، ضریب جینی، رشد جمعیت و جمعیت شهری است. η_i بیانگر اثرات ثابت یا اثرات انفرادی کشورها است و همچنین δ_t بیانگر اثرات ثابت زمان و ε_{it} نشان دهنده جمله اختلال است.

¹ . Baltagi

² . Mathias and Suster

³ . Arellano & Bond

جامعه آماری این پژوهش، داده‌های تمام کشورهای در دسترس بر اساس دسته‌بندی خانه آزادی هستند. این کشورها به سه دسته کشورهای آزاد، نیمه آزاد و غیرآزاد تقسیم‌بندی شده‌اند. داده‌های سرمایه اجتماعی از سایت اینترنتی solability.com استخراج شده است و برای آزادی اقتصادی نیز، از داده‌های مؤسسه فریزر استفاده شده است. در ارتباط با متغیرهای کنترلی داده‌های موردنیاز از بانک جهانی استخراج شده است.

۵- یافته‌های پژوهش

ابتدا آزمون وابستگی مقاطع با استفاده از آزمون CD پسران^۱ (۲۰۰۴) انجام گرفته است. در صورت وابستگی مقاطع بایستی از آزمون‌های نسل دوم و در صورت استقلال مقطعی بایستی از آزمون‌های ریشه واحد نسل اول استفاده شود. فرض صفر این آزمون، عدم همبستگی بین مقاطع (پسران، ۲۰۱۵) است. با توجه به نتایج حاصل مشاهده می‌گردد که بین مقاطع وابستگی وجود دارد به همین منظور از آزمون‌های ریشه واحد نسل دوم استفاده می‌گردد.

جدول ۱. نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسران

سطح احتمال	CD-test	آزمون
۰/۰۰	۳۲/۳۷۵	وابستگی مقطعی پسران

منبع: یافته‌های پژوهش

پیش از برآورد مدل، لازم است مانایی متغیرهای مدل بررسی شود. به این منظور از آزمون ریشه واحد پسران (۲۰۰۷) معروف به آزمون CIPS^۲ استفاده شده است. فرض صفر این آزمون وجود ریشه واحد است. بر اساس نتایج، تمامی متغیرها به جز SMO در سطح معنی‌داری ۱ درصد (چه با روند و چه بدون آن) مانا می‌باشند. البته در بین این متغیرها LSP با روند در سطح ۱۰ درصد معنی‌داری بدون ریشه واحد می‌باشد. همچنین، با گرفتن تفاضل مرتبه اول SMO، این متغیر نیز در سطح معنی‌داری ۱ درصد مانا می‌باشد و در ادامه برای تخمین مدل از تفاضل متغیر SMO استفاده می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد CIPS

		<i>Sca</i>	<i>Efr</i>	<i>Lsp</i>	<i>Smo</i>	<i>Fti</i>	<i>Reg</i>
بدون روند	سطح	-۶/۷۵۳***	-۳/۴۹۲***	-۳/۲۶۷***	۱/۵۹۹	-۱۰/۳۴۹***	-۶/۰۴۵***
	تفاضل مرتبه اول				-۱۳/۲۴۷***		
با روند	سطح	-۵/۶۳۳***	-۴/۹۳۸***	-۱/۵۲۲*	۲/۰۹۵	-۶/۳۹۱***	-۲/۵۴۵***
	تفاضل مرتبه اول				-۹/۹۷۰***		
		<i>Sog</i>	<i>Gdp</i>	<i>Pgr</i>	<i>Urp</i>	<i>Unm</i>	<i>Gin</i>
بدون روند	سطح	-۷/۳۶۵***	-۴/۹۶۱***	-۶/۹۰۱***	-۴/۵۰۶***	-۱۱/۳۴۸***	-۱۰/۳۵۷***
	تفاضل مرتبه اول						

۱. Pesaran Cross-sectional Dependence (CD) test

۲. Weak Cross-sectional Dependence

۳. Cross-Sectionally Augmented IPS

د.ر.و.د.	سطح	***۳/۲۹۵	***۵/۷۰۴	***۵/۷۹۷	***۳/۳۰۸	***۹/۴۹۰	***۷/۹۷۴
تفاضل مرتبه اول							

توجه: در تمامی جداول، *** سطح معنی داری ۹۹ درصد، ** سطح معنی داری ۹۵ درصد و * سطح معنی داری ۹۰ درصد را نشان می‌دهند.
منبع: یافته‌های پژوهش

پیش از برآورد مدل‌ها، آزمون هم‌خطی بین متغیرها بوسیله آزمون VIF بررسی گردید و هیچکدام از متغیرهای توضیحی هم‌خطی ندارند. نتایج آزمون‌های ادغام و هاسمن نیز مشخص نمود که هر دو مدل باید به روش اثرات ثابت داده‌های تابلویی برآورد شوند. همچنین، قبل از برآورد، خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اجزای اخلال مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که هر دو مدل دارای خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی باقیمانده‌ها هستند. به همین دلیل از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) استفاده می‌شود.

در جدول زیر مدل با استفاده از اثرات ثابت، حداقل مربعات تعمیم‌یافته (FGLS) و مدل GMM تخمین زده شده است. با توجه به نتایج حاصل مشاهده می‌شود که آزادی اقتصادی در هر سه برآورد اثر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی دارد. با افزایش یک واحدی در آزادی اقتصادی، سرمایه اجتماعی به اندازه ۳/۵۴ واحد افزایش می‌یابد. آزادی اقتصادی به افراد اجازه می‌دهد تا با تصمیمات خود در فعالیت‌های اقتصادی شرکت کنند و این امر، افراد را به تعامل با سایر عوامل در بازار سوق می‌دهد. پس منطقی است که آزادی اقتصادی بیشتر منجر به تعامل بیشتر بین افراد شود و سرمایه اجتماعی را افزایش دهد.

ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) معنی‌دار نمی‌باشد. اقتصادهایی که سرمایه اجتماعی در پاسخ به افزایش تولید ناخالص داخلی کاهش می‌یابد ممکن است در مقایسه با اقتصادهایی که سرمایه اجتماعی به‌طور مثبت تحت تأثیر افزایش تولید ناخالص داخلی قرار می‌گیرد، سطح تولید سرانه بالاتری را نشان دهند. این نتیجه به تمایل جامعه به جایگزینی کالا و خدمات تولیدشده در بازار به جای کاهش سرمایه اجتماعی بستگی دارد که ممکن است تأثیر ناامیدکننده‌ای که فرسایش آن بر بهره‌وری عوامل می‌گذارد غالب شود تأثیر مضر تخریب سرمایه اجتماعی رفاه فردی را کاهش می‌دهد اما لزوماً سطح پایدار تولید ناخالص داخلی را کاهش نمی‌دهد و ممکن است افزایش هم بیاید با کاهش سرمایه اجتماعی، سهم بیشتری از تولید ناخالص داخلی برای جلوگیری از فرسایش سرمایه اجتماعی در اثر کاهش بهره‌وری کل عوامل استفاده می‌شود.

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد مدل اول

Variable	GMM Model	Fixed-effect	FGLS Model
Sca _{t-1}	۰/۵۶***		
efr	۰/۳۸***	۲/۰۵**	۳/۵۴***
gdp	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۱
pgr	۰/۱۷***	۵/۵۰**	۰/۶۶*
urp	۸/۴۵*	۱۴۱/۷۱***	۱۳/۳۹***
unm	۰/۰۸**	۳۹/۰۰۸***	۱۶/۷۴***
gin	-۸۶/۲۰***	-۱۷/۹۵*	-۸۶/۲۰***
C	۱۷/۶۴**	-۶۱/۶۴***	۴۶/۹۶***

منبع: یافته‌های پژوهش

متغیر نرخ بیکاری نیز اثری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی در دو مدل دارد. با افزایش یک واحدی در متغیر بیکاری در مدل اول، سرمایه اجتماعی به‌اندازه ۱۶/۷۴ و در مدل دوم به‌اندازه ۱۷/۲۳ واحد افزایش می‌یابد. سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی منجر به استفاده کارآمدتر از اطلاعات در مورد بازار کار، کاهش هزینه‌های جستجو و معامله در هر دو طرف بازار، به کیفیت بالاتر متقاضیان و به جای‌گیری کارآمد کارگران فردی خواهد شد. در مجموع می‌توان انتظار داشت که سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی تعداد بیکاران را محدود کند.

متغیر نابرابری درآمدی نیز در مدل اول اثری منفی و معنی‌دار و در مدل دوم اثری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد. با افزایش یک واحدی نابرابری درآمدی در مدل اول، سرمایه اجتماعی به‌اندازه ۸۶/۲۰ واحد کاهش و در مدل دوم به‌اندازه ۴۷/۱۲ واحد افزایش می‌یابد. توزیع درآمد اگر به‌طور عادلانه در جامعه‌ای صورت گیرد، افراد آن جامعه رضایت و خشنودی بیشتری از خود نشان می‌دهند که این عامل منجر به افزایش سرمایه اجتماعی در آن جوامع می‌گردد. متغیر رشد جمعیت اثری مثبت و معنی‌دار در هر دو مدل دارد. افزایش یک واحدی رشد جمعیت، سرمایه اجتماعی در مدل اول و دوم به‌اندازه ۰/۶۶ و ۱/۱۶ افزایش می‌یابد. تحقیقات نشان می‌دهد که کشورهایی که جمعیت بالاتری دارند، از سطح رضایت بالاتری نسبت به کشورهای با جمعیت کمتر برخوردار هستند که رضایت اجتماعی نیز همان سرمایه اجتماعی را می‌رساند؛ یعنی می‌توان گفت که رشد جمعیت منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود. همچنین متغیر جمعیت شهرنشین اثری مثبت و معنی‌دار در هر دو مدل بر سرمایه اجتماعی دارد. با افزایش یک واحدی در جمعیت شهرنشین، در مدل اول و دوم به ترتیب، ۱۳/۳۹ و ۱/۱۶ واحد افزایش می‌یابند.

جدول ۴. نتایج برآورد مدل دوم

Variable	Fixed-effect	FGLS Model
efr	۲/۰۵**	
Lsp		۴/۴۸***
Smo		۰/۸۱***
Fti		۰/۱۲
Reg		-۱/۰۷**
sog		-۱/۳۴***
gdp	-۰/۰۰۶	-۰/۰۱*
pgr	۵/۵۰**	۱/۱۶***
urp	۱۴۱/۷۱***	۱/۱۶***
unm	۳۹/۰۰۸***	۱۷/۲۳***
gin	-۱۷/۹۵*	۴۷/۱۲***
C	-۶۱/۶۴***	۶۲/۰۶***

منبع: یافته‌های پژوهش

اندازه دولت اثری منفی و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد. با افزایش یک واحدی در اندازه دولت، سرمایه اجتماعی به‌اندازه ۱/۳۴ واحد کاهش می‌یابد. در اقتصاد رقابتی، اطلاعات شفاف بوده و آزادانه جریان می‌یابد و نیز سازوکار قیمت، ارزش‌های نهفته در سبدهای حقوقی موردتعامل را به‌خوبی بازتاب می‌دهد؛ بنابراین، هزینه‌های معاملاتی اندک بوده و تمایل افراد به تعامل و همکاری بیشتر خواهد شد. در اقتصاد رقابتی آنچه افراد با یکدیگر مبادله می‌کنند، حداقل به یک

اندازه ارزش دارد و افرادی که فرصت طلب و کلاهبردار هستند، قادر به ادامه فعالیت و تعامل با دیگران نخواهند بود؛ بنابراین اقتصاد رقابتی پیشاپیش احساس اعتماد را در افرادی که می‌خواهند با یکدیگر تعامل و همکاری کنند، ایجاد خواهد کرد. بر پایه این استدلال می‌توان گفت که دولت دوستدار بازار، یکی از عوامل اساسی سازنده سرمایه اجتماعی در جامعه است. در نظام‌های سیاسی غیر دموکراتیک که در آن‌ها دولت مثل «لویاتان» رشد می‌کند، امکان تخریب و کاهش سرمایه اجتماعی به حداکثر ممکن خود می‌رسد؛ بنابراین در نظام سیاسی دموکراتیک و اقتصاد رقابتی است که سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود.

حقوق مالکیت (lsp) اثر مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد. با افزایش یک واحدی در متغیر حقوق مالکیت، سرمایه اجتماعی نیز به اندازه ۴/۴۸ واحد افزایش می‌یابد. بین عامل حقوق مالکیت با شاخص سرمایه اجتماعی مثل اعتماد رابطه معناداری برقرار است با توجه به تحقیقات خارجی و داخلی عامل حقوق مالکیت بر نوآوری و توسعه دانش در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی و به دنبال آن رفاه اجتماعی مؤثر است.

پول سالم (smo) نیز اثر مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد. با افزایش یک واحدی در پول سالم منجر به افزایش ۰/۸۱ واحدی در سرمایه اجتماعی می‌شود. دسترسی به پول سالم ممکن است به‌طور غیرمستقیم اعتماد را تقویت کند؛ زیرا ارزش ثابت پول، برای درگیر شدن در معاملات داوطلبانه مفید خواهد بود. این مسأله، می‌تواند اعتماد را ایجاد کند؛ زیرا مشارکت در بازار به گسترش اعتماد عمومی منجر می‌شود. درواقع، زمانی که شخص به‌طور مکرر به افراد در معاملات بازار، اعتماد می‌کند؛ ممکن است در جامعه، نگرش اعتماد عمومی ایجاد کند.

متغیر مقررات reg اثر منفی و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد. با افزایش یک واحدی در متغیر مقررات نیز سرمایه اجتماعی به اندازه ۱/۰۷ واحد کاهش می‌یابد. عدم وجود مقررات دولتی، رضایت از زندگی را افزایش دهد؛ زیرا مقررات دولتی ممکن است امنیت شهروندان را تأمین کند و نواقص بازار را محدود کند. به‌ویژه سیاست ضد انحصار ممکن است برای فراهم کردن شرایط کافی برای عملکرد کارآمد بازارهای آزاد مهم باشد. بااین‌حال، صاحب‌نظران در کارایی مقررات دولتی تردید دارند، زیرا قوانین ضد انحصار توسط افرادی که قرار بود آن‌ها را تنظیم و کنترل کنند، تصاحب می‌شود که از همین‌جا می‌توان دریافت وجود مقررات منجر به کاهش سرمایه اجتماعی خواهد شد.

ضریب متغیر تجارت بین‌الملل (تجارت آزاد) بی‌معنی است. کشورهایی که برای مدت طولانی باز بوده‌اند، سطح رضایت بیشتری از زندگی را نسبت به کشورهای بسته نشان می‌دهند، درحالی‌که کشورهایی که از سیاست بسته به سیاست‌باز تغییر می‌کنند، وضعیت بهتری نسبت به کشورهای بسته نداشتند؛ بنابراین باز بودن تجارت، اگرچه تأثیر مثبتی بر رضایت از زندگی دارد، اما در درجه دوم اهمیت قرار دارد؛ زیرا رفاه ذهنی افراد را فقط اندکی افزایش می‌دهد.

جدول ۵. رگرسیون‌های اضافی مدل دوم

Variable	۱	۲	۳	۴	۵
Lsp	۲/۸۰**				
Smo		۰/۹۱**			
Fti			۰/۲۵		
Reg				-۰/۸۹***	
sog					-۰/۱۳***

توجه: سایر متغیرهای کنترلی در مدل لحاظ، اما نتایج آن به منظور خلاصه‌سازی ارائه نشده است.

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول فوق نیز در هر مدل یکی از شاخص‌های آزادی اقتصادی به عنوان متغیر آزادی اقتصادی در مدل وارد شده است و اثر هر یک از این شاخص‌ها بر سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که اندازه دولت و مقررات اثر منفی و معنی‌داری بر سرمایه اجتماعی دارند. همچنین متغیرهای پول سالم و حقوق مالکیت اثر مثبت و معنی‌دار اما متغیر تجارت آزاد اثر مثبت و بی معنی بر سرمایه اجتماعی دارد. در دو جدول زیر، مدل این پژوهش در گروه کشورهای آزاد، نسبتاً آزاد و غیرآزاد مورد بررسی قرار می‌گیرد:

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد

متغیرها	Free model1	No free model1	Partly free model1
Efr	۱/۸۹***	۵/۰۹	-۱/۴۲
Gdp	-۰/۰۰۵*	۰/۰۰۰۹	۰/۱۰
Pgr	۰/۰۱	-۰/۸۴	۱/۴۷
Urp	-۱۹۳/۱۰**	۲۷/۲۰	-۰/۷۶
Unm	۷۲/۷۷***	-۶۴/۱۷	۰/۴۱**
Gin	-۴/۳۶	۳۵/۱۳	-۶۵/۵۵**
C	۲۳۹/۶۹***	-۱۸/۹۶	۷۱/۵۱

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۷. نتایج حاصل از برآورد

متغیرها	Free model2	No free model2	Partly free model2
Lsp	۴/۸۰***	-۵/۶۱	-۰/۹۷
Smo	۰/۳۷**	۲/۶۳***	۱/۳۶*
Fti	-۳/۶۲***	۰/۸۱	-۴/۲۹**
Reg	۰/۳۶	۲/۵۸	-۱/۲۲
Sog	-۱/۲۵**	۰/۵۶	۰/۸۸
Gdp	-۰/۰۰۷***	۰/۰۰۳	۰/۰۷
Pgr	۱/۲۵**	-۲/۸۱	-۰/۱۲
Urp	-۱۱/۱۸***	۳/۳۶	۳۹/۷۰
Unm	۳۹/۸۹***	-۸۸/۹۴	۱۹/۵۷
Gin	-۳۴/۵۰***	۳۸/۷۳	-۳۰/۴۷
C	۶۷/۰۲***	۱۲/۳۶	۵۲/۴۷*

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج مدل اول ضریب اثرگذاری متغیر مستقل در کشورهای آزاد ۱/۸۹ و معنادار می‌باشد و در کشورهای غیرآزاد و نسبتاً آزاد این ضرایب معنادار نمی‌باشند. در مدل دوم اجزای متغیر مستقل حقوق مالکیت با ضریب اثرگذاری در کشورهای آزاد ۴/۸۰ و معنادار می‌باشد و در کشورهای غیرآزاد و نسبتاً آزاد معنادار نمی‌باشند. متغیر پول سالم دارای ضریب اثرگذاری ۰/۳۷ در کشورهای آزاد، ۲/۶۳ در کشورهای غیرآزاد و ۱/۳۶ در کشورهای نسبتاً آزاد و برخلاف متغیر قبلی در کشورهای آزاد و نسبتاً آزاد بی‌معنا و در کشورهای غیرآزاد معنادار می‌باشد. آزادی تجارت بین‌الملل در کشورهای آزاد و

نسبتاً آزاد معنادار و با ضریب اثرگذاری به ترتیب ۳/۶۲- و ۴/۲۹- و در کشورهای غیرآزاد معنادار نیست. ضریب متغیر مقررات در در هیچ گروه از کشورها معنادار نیست. متغیر اندازه دولت با ضریب اثرگذاری در کشورهای آزاد ۱/۲۵- و معنادار هست و در کشورهای غیرآزاد و نسبتاً آزاد معنادار نمی‌باشند. همچنین برای بررسی اعتبار متغیرهای ابزاری از آزمون سارگان استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۸) بیان گردید. با توجه به نتایج می‌توان گفت که متغیرهای ابزاری تعریف شده معتبر هستند.

جدول ۸. آزمون سارگان

مدل	آزمون	آماره	سطح احتمال
۱	آزمون سارگان	۲۱/۱۸	۰/۲۱
۲	آزمون سارگان	۶/۵۵	۰/۷۶

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین، از آزمون علیت استفاده شد تا مشخص گردد که آزادی اقتصادی علت سرمایه اجتماعی است و یا بالعکس. به عبارت دیگر می‌توان گفت رابطه یک‌طرفه بین سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی وجود دارد یا رابطه دوطرفه. با توجه به نتایج از آزمون علیت گرنجری در جدول (۹) می‌توان دریافت که آزادی اقتصادی، علت سرمایه اجتماعی است و رابطه یک‌طرفه از آزادی اقتصادی به سرمایه اجتماعی وجود دارد.

جدول ۹. آزمون علیت گرنجری

نتیجه	سطح احتمال	آماره آزمون	
عدم رد	۰/۰۴	۴/۱۱	آزادی اقتصادی علت سرمایه اجتماعی
رد	۰/۵۵	۰/۳۶	سرمایه اجتماعی علت آزادی اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش، به منظور بررسی اثر آزادی اقتصادی و همچنین اجزای آزادی اقتصادی بر سرمایه اجتماعی از روش داده‌های تابلویی و مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و داده‌های ۶۲ کشور طی دوره زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ جهت بررسی روابط بین متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش استفاده گردیده است. متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق، تولید ناخالص داخلی، رشد جمعیت، رشد جمعیت شهری، نرخ بیکاری، نابرابری درآمدی، سرمایه اجتماعی، آزادی اقتصادی و شاخص‌های آزادی اقتصادی یعنی حقوق مالکیت، دسترسی به پول، تجارت بین‌الملل، مقررات، اندازه دولت می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که آزادی اقتصادی اثری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد. این نتیجه، مطابق با نتایج مطالعه برگرن و جوردا (۲۰۰۶) هم برای کشورهای OECD و هم برای کشورهای غیر OECD و همچنین نتیجه مطالعه ساراویا (۲۰۱۶) و نیز آلفورد (۲۰۱۹) است. همچنین اندازه دولت به عنوان یکی از اجزای شاخص آزادی اقتصادی، اثر منفی و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد که این نتیجه، همسو با نتایج مطالعه برگرن و جوردا (۲۰۰۶) هم برای کشورهای OECD و هم برای کشورهای غیر OECD و همچنین محمدیان و همکاران (۱۳۹۷) است و متغیر حقوق مالکیت اثری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارند که این نتیجه همسو با نتایج مطالعات برگرن و جوردا (۲۰۰۶) و ساراویا (۲۰۱۶) است. متغیر دسترسی به پول سالم نیز، اثری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد که این نتیجه با

نتیجه مطالعه برگرن و جوردال (۲۰۰۶) برای کشورهای غیر OECD همسو و البته با نتیجه آن در مورد کشورهای OECD ناهمسو است؛ متغیر مقررات نیز که یکی از اجزای شاخص آزادی اقتصادی است، اثری منفی و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد که این نتیجه، با نتایج مطالعه برگرن و جوردال (۲۰۰۶) هم برای کشورهای OECD و هم برای کشورهای غیر OECD مطابقت ندارد. متغیر تجارت بین‌الملل (تجارت آزاد) اثری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد که این نتیجه همسو با نتیجه مطالعه ساراویا (۲۰۱۶) است. ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) معنی‌دار نمی‌باشد که همسو با نتیجه مطالعه جکسون و همکاران (۲۰۱۵) به روش OLS است. متغیر نرخ بیکاری نیز اثری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی در دو مدل دارد که ناهمسو با نتیجه مطالعه جکسون (۲۰۱۶) در کوتاه‌مدت و بلندمدت است. متغیر نابرابری درآمدی در مدل اول اثری منفی و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد که این نتیجه با نتیجه مطالعه برگرن و جوردال (۲۰۰۶) و همچنین نتیجه مطالعه جکسون (۲۰۱۶) در کوتاه‌مدت و نیز ساراویا (۲۰۱۶) همسو است؛ این در حالی است که نابرابری درآمدی در مدل دوم اثری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی دارد که این نتیجه با نتیجه مطالعه جکسون و همکاران (۲۰۱۵) و جکسون (۲۰۱۶) در بلندمدت همسو است. متغیر رشد جمعیت نیز اثری مثبت و معنی‌دار بر سرمایه اجتماعی در دو مدل موردنظر دارد که همسو با نتیجه مطالعه جکسون و همکاران (۲۰۱۵) به روش OLS و ناهمسو با نتیجه مطالعه جکسون (۲۰۱۶) در کوتاه‌مدت و بلندمدت است. همچنین متغیر جمعیت شهرنشین اثری مثبت و معنی‌دار در هر دو مدل بر سرمایه اجتماعی دارد.

در ادامه موضوع مورد بررسی در گروه کشورهای آزاد، نسبتاً آزاد و غیرآزاد مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج رابطه آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی در کشورهای آزاد مثبت و معنادار در کشورهای غیرآزاد مثبت و بی‌معنا و در کشورهای نسبتاً آزاد منفی و بی‌معنا می‌باشد و برای اجزای آزادی اقتصادی، رابطه حقوق مالکیت با سرمایه اجتماعی در کشورهای آزاد مثبت و معنادار و در کشورهای غیرآزاد و نسبتاً آزاد رابطه منفی و بی‌معنا دارند. رابطه متغیر پول سالم با سرمایه اجتماعی در کشورهای آزاد و نسبتاً آزاد مثبت و بی‌معنا و در کشورهای غیرآزاد مثبت و معنادار می‌باشد. رابطه متغیر تجارت بین‌الملل با سرمایه اجتماعی در کشورهای آزاد و نسبتاً آزاد منفی و معنادار و در کشورهای غیرآزاد مثبت و بی‌معنا می‌باشد. رابطه متغیر مقررات با سرمایه اجتماعی در کشورهای آزاد و غیرآزاد مثبت و بی‌معنا و در کشورهای نسبتاً آزاد منفی و بی‌معنا می‌باشد. رابطه متغیر اندازه دولت با سرمایه اجتماعی در کشورهای آزاد منفی و معنادار و در کشورهای غیرآزاد و نسبتاً آزاد مثبت بی‌معنا می‌باشد و در انتها آزمون سارگان معتبر بودن متغیرهای ابزاری را مشخص کرد و آزمون علیت گرنجری نشان داد که آزادی اقتصادی علت سرمایه اجتماعی است یعنی یک رابطه علی یک‌طرفه از آزادی اقتصادی به سرمایه اجتماعی وجود دارد.

از این رو می‌توان فرضیه‌های اصلی تحقیق را در ادامه مورد بررسی قرار داد:

فرضیه اول: آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی کشورهای آزاد از نظر خانه آزادی دارد. با افزایش یک واحدی در آزادی اقتصادی، سرمایه اجتماعی به اندازه $1/89$ واحد افزایش می‌یابد. وجود آزادی اقتصادی به افراد امکان می‌دهد آزادی خود را در امور سیاسی نیز تمرین کنند؛ بنابراین، آزادی اقتصادی ممکن است میزان مشارکت رأی‌دهندگان را افزایش دهد و منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود؛ بنابراین با استفاده از نتایج این آزمون می‌توان گفت که این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه دوم: آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی کشورهای نسبتاً آزاد از نظر خانه آزادی دارد. بر اساس نتایج به دست آمده مشخص شد که رابطه بین آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی در کشورهای نسبتاً آزاد منفی و بی معنا است در نتیجه فرضیه دوم پذیرفته نمی شود.

فرضیه سوم: آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی کشورهای غیر آزاد از نظر خانه آزادی دارد. بر اساس نتایج به دست آمده مشخص شد که رابطه بین آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی در کشورهای غیر آزاد مثبت و بی معنا است در نتیجه به دلیل عدم معناداری فرضیه سوم پذیرفته نمی شود.

فرضیه چهارم: اجزای آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی در کشورهای جهان بر اساس دسته بندی خانه آزادی (به کشورهای آزاد، نسبتاً آزاد و غیر آزاد) دارند. با توجه به اینکه برخی از اجزای آزادی اقتصادی مثبت و برخی دیگر منفی می باشند به طور قطع نمی توان فرضیه چهارم را رد کرد و یا پذیرفت؛ زیرا اثر اجزای آزادی اقتصادی از جمله اندازه دولت و مقررات اثر منفی بر سرمایه اجتماعی دارند؛ اما متغیرهای دسترسی به پول، حقوق مالکیت و تجارت بین الملل اثر مثبت بر سرمایه اجتماعی دارند.

بر این اساس، توصیه های سیاستی زیر پیشنهاد می شود:

(۱) نتایج تجربی این پژوهش در کشورهای آزاد نشان می دهد که آزادی اقتصادی شرط لازم برای ارتقاء سرمایه اجتماعی است. لذا پیشنهاد می شود که دولت ها به منظور ارتقاء سرمایه اجتماعی در کشورهای خود، ابتدا قوانین ضد انحصار را وضع و اجرا کنند و زمینه های رقابت را در بازار فراهم نمایند.

(۲) با توجه به رابطه بین حقوق مالکیت و سرمایه اجتماعی (حقوق مالکیت یکی از اجزای آزادی اقتصادی)، به سیاستگذاران پیشنهاد می شود که نسبت به کارآمدی قوانین حقوق مالکیت، ضمانت اجرای این قوانین و تصویب قوانین جدید مورد نیاز در این زمینه و همچنین تقویت آن، گام های مؤثری بردارند.

(۳) با توجه به اثر منفی اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی پیشنهاد می گردد که به منظور تقویت سرمایه اجتماعی، دولت ها فعالیت های خود را محدود کرده و اقدام به واگذاری فعالیت ها به بخش خصوصی نمایند. علاوه بر این، دولت ها باید بسترهای لازم را برای تحریک و تشویق افراد جامعه به همکاری و اقدام های جمعی فراهم آورند. در این راستا دولت ها می تواند از طریق سیاست هایی چون تدارک بهداشت و آموزش همگانی، بیمه های بیکاری نظام تأمین اجتماعی فراگیر، ظرفیت اعضای جامعه را برای توسعه روابط همیارانه افزایش دهند.

منابع

- حاجی بیگی، زهرا؛ رحمانی، حلیمه؛ شعبان زاده، مهدی. (۱۳۹۷). بررسی عوامل تعیین کننده ساختار سرمایه شرکت های فعال در بورس اوراق بهادار تهران تحت رویکرد سیستم پویای GMM. مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره چهارم، شماره ۳، صص ۱-۱۹.
- حسینی، حسین. (۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی ایران. کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی.
- خداپرست م شهدی، مهدی؛ فلاحی، محمدعلی؛ آریانا، امیر (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران. پژوهش نامه ی اقتصاد کلان، سال نهم، شماره ۱۷، صص ۷۵-۹۸.
- زبیری، هدی و ابراهیمی پورفائز، سهند. (۱۳۹۳). تورم و کاهش سرمایه اجتماعی در ایران. فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، دوره نوزدهم، شماره ۴، صص ۱۸۳-۲۱۳.
- محمدیان منصور، صاحبه؛ جعفری، محمد؛ مهرگان، نادر. (۱۳۹۷). تأثیر اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی در استان های ایران. فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، دوره نهم، شماره ۱، صص ۸۷-۵۵.
- هاشمی، فرزانه. (۱۳۹۶). بررسی اثر رانت نفتی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای رانتیر منتخب. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، دانشکده علوم اقتصادی.
- Ali, R., Naseem, M.A., & Farooq, M.M. (2011). Social Capital on Economic Development (a Theoretical Perspective), *Int.J.Buss.Mgt.Eco.Res.*, 2(4), 270-277.
- Alford, P. (2019). When Capital Meets the Community: Economic Freedom and Social Capital. *Citations Journal of Undergraduate Research*, Vol. 16.
- Arellano, M. and Bond, S. (1991). Some Test of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and Application to Employment Equations. *Review of Economic Studies*, 58: 277-297
- Baltagi, B. H. (1995). Econometric analysis of panel data. Wiley, New York.
- Baltagi, B. H. (2005). Econometric analysis of panel data. Third Edition, McGraw-Hill
- Berggren, N. (1999). Economic freedom and equality: Friends or foes? *Public Choice*, 100(3-4), 203-223.
- Berggren, N. and Jordahl, H. (2006). Free to Trust: Economic Freedom and Social Capital. *Kyklos*, Wiley Blackwell, 59(2), 141-69.
- Bjørnskov, C. Dreher, A. and Fischer, J. (2007). The Bigger the Better? Evidence of the Effect of Government Size on Life Satisfaction around the World. *Public Choice*, 130, 267 – 292.
- Bjørnskov, C., Dreher, A., & Fischer, J. A. V. (2010). Formal institutions and subjective well-being: Revisiting the cross-country evidence. *European Journal of Political Economy*, 26, 419-430.
- Bjørnskov, C., & Foss, N. J. (2008). Economic freedom and entrepreneurial activity: Some cross country evidence. *Public Choice*, 134(3), 307-328.
- Caldero'n, C., Loayza, N., & Schmidt-Hebbel, K. (2005) Does openness imply greater exposure? World Bank Policy Research, working paper no. 3733, Washington DC: World Bank.
- Di Tella, Rafael. Robert J. MacCulloch. and Andrew J. Oswald. (2001). Preferences over Inflation and Unemployment: Evidence from Surveys of Happiness. *American Economic Review*, 91 (1), 335-341.
- Friedman, Benjamin M. (1999). Policy Steps for Japan in Its Current Economic and Financial Crisis. Toward the Restoration of Sound Banking Systems in Japan – Its Global Implications. Washington: International Monetary Fund.
- Gannon, B. & Roberts, J. (2020). Social capital: exploring the theory and empirical divide. *Empirical Economics*, 58(3), 899-919.
- Goldberg, P. K., & Pavcnik, N. (2007). Distributional effects of globalization in developing countries. *Journal of Economic Literature*, 45, 39-82.
- Gwartney, J. Lawson, R. and Block, W. (1996). *Economic Freedom of the World 1996 Annual Report*. Fraser Institute.

- Graafland, J., Compen, B. (2015). Economic Freedom and Life Satisfaction: Mediation by Income per Capita and Generalized Trust. *J Happiness Stud* 16, 789–810.
- Helliwell, J. F. (2003). How's life? Combining individual and national variables to explain subjective well being. *Economic Modelling*, 20, 331–360.
 - Helliwell, J. F. (2006). Well-being, social capital and public policy: What's new? *The Economic Journal*, 116, C34–C45.
 - Helliwell, J. F., & Barrington-Leigh, C. P. (2010). Viewpoint: Measuring and understanding subjective well-being. *Canadian Journal of Economics/Revue canadienne d'économique*, 43(3), 729-753.
 - Helliwell, John. and Huang, Haifang. (2008). How's Your Government? International Evidence Linking Good Government and Well-Being. *British Journal of Political Science*, 38(4) , 595-619.
 - Jackson, J. Carden, A. and Compton, R. (2015). Economic Freedom and Social Capital. *Applied Economics*, 47(54), 5853–5867.
 - Knack, S. Keefer, P. (1997). Does Social Capital Have an Economic Payoff? A Cross-Country Investigation. *Quarterly Journal of Economics*, 112 (4), 1251-128.
 - Lucas, R. E. (2000). Inflation and Welfare. *Econometrica*, 68(2), 247–274.
 - Min Maw, A. (2014). Effect of Economic Freedom on Social Capital: Panel Evidence from U.S. Contiguous States. Master of Science, *Agribusiness and Applied Economics*.
 - North, D. (1991). Institutions. *Journal of Economic Perspectives*, 5(1), 97-112.
 - Nystrom, K. (2008) On the Behaviour near Expiry for Multi-Dimensional American Options. *Journal of Mathematical Analysis and Applications*, 339, 644-654.
 - Oishi, Shigehiro. Kesebir, Selin. and Diener, Ed. (2011). Income Inequality and Happiness. *Psychological Science*, 22(9), 1095-100.
 - OTT, J. (2010). Good Governance and Happiness in Nations: Technical Quality Precedes Democracy and Quality Beats Size. *Journal of Happiness Studies*, 11(3):353-368.
 - Putnam, R. (1993). The prosperous community: social capital and public life. *The American Prospect* 4(13):11–18
 - Putnam, R. (2000). Bowling alone: The collapse and revival of American community. New York, Simon and Schuster.
 - Rothstein, B. (2000). Trust, Social Dilemmas and Collective Memories. *Journal of Theoretical Politics*, 12(4), 477–501.
 - Saravia, A. (2016). Institutions of economic freedom and generalized trust: evidence from the Eurobarometer surveys. *European Societies*, 18, 5-24.
 - Scully, G. (2002). Economic Freedom, Government Policy and the Trade-Off between Equity and Economic Growth. *Public Choice*, 113, 77–96.
 - Smart, A. (2018). Social capital. January 2008 *Anthropologica*, 50(2), 409-416.
 - Tsai, M. C. (2009). Market openness, transition economies and subjective wellbeing. *Journal of Happiness Studies*, 10, 523–539.
 - Tsutsumi, Kenji. (2017). Social capital. *International Encyclopedia of Geography: People, the Earth, Environment and Technology*, [1]
 - UN (United Nations) (2006). World economic and social survey, <http://www.un.org/esa/policy/wess/index.html>.
 - Zak, P.J. and Knack, S. (2001). Trust and Growth. *The Economic Journal*, 111, 295-321.

سایت‌های اینترنتی:

<https://freedomhouse.org> خانه آزادی:

<https://www.fraserinstitute.org> مؤسسه فریزر:

The Effect of Economic Freedom and its Components on Social Capital (Case Study: Countries with Different Degrees of Freedom)

Asana Babrzadeh

Master's degree in Economics, University of Bojnord

Roohollah Babaki

Assistant Professor in the Economics Department, University of Bojnord (corresponding author)

Seyyed Hamed Fahimifard

Ph.D. in Economics, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

Today, in addition to economic and human capital, social capital has also gained attention to, providing a suitable foundation for the utilization of human and physical capital and leads to economic growth. Through this, cohesion, mutual trust, assurance and solidarity in the society are established, and any reduction in it leads to an increase of social harms within the community. On the other hand, economic freedom is the most crucial element in society that can open the doors to global prosperity. It can be interpreted as the fundamental right of every individual to manage their own property and resources, as well as the absence of monopolies in production, consumption, and services. Since the theoretical relationship between economic freedom and social capital is ambiguous, this relationship should be empirically examined in various samples. Therefore, the aim of this research is to investigate the effect of economic freedom and its components on social capital using the generalized method of moments (GMM). This study utilizes data of 62 member countries of the Freedom House, categorized into three groups: free, relatively free and non-free according to Freedom House, during the period of 2013-2020. The results indicate that economic freedom in free countries increases social capital; consequently, it has a positive and significant effect on social capital. However, it does not have a significant effect on social capital in relatively free countries and non-free countries. Additionally, the relationship between the components of economic freedom and social capital varies.

Key words: Economic Freedom, Social Capital, Freedom House, Generalized Method of Moments (GMM)